

بازگشت جهادی‌ها

✖ الیوت مورفی

ترجمه پرویز صداقت

نگاه به آخرین کتاب پاتریک کوبرن

گروه جهادی بی‌رحم داعش، که نشان داده حتی از گروه القاعده‌ی ایمن الطواهری که در پاکستان مستقر است بسیار خشن‌تر است، با به قتل رساندن امدادگرانی مانند دیوید هینز، آلن هنینگ و دیگران رسوای جهانیان شده است. پاتریک کوبرن که خود در بغداد ساکن است، در کتاب «بازگشت جهادی‌ها» تلاش می‌کند با تمرکز بر تحولات در خاورمیانه علت ظهور آن‌ها را توضیح دهد، ظهوری که وی پیش‌بینی می‌کند «به‌زودی بر بقیه‌ی جهان تأثیر» خواهد گذاشت.

کوبرن طبق معمول سبکی آرام دارد و شواهدی که گرد آورده – که با تبادل اطلاعات با مقامات امنیتی، روزنامه‌نگاران و محلی‌ها تکمیل شده – قانع‌کننده است.

به نظر کوبرن علت آن که اخیراً داعش به صدر اخبار در غرب ارتقا پیدا کرده، آن است که «دولت‌های غربی و نیروهای امنیتی‌شان برمبنای نیروهایی که مستقیماً زیر نظر مرکزیت «القاعده» یا «هسته»ی القاعده‌ی اداره می‌شوند تعریف محدودی از جهادی‌ها ارائه می‌کنند. این تاکتیک به این دولت‌ها امکان می‌دهد که تصویری بس خوش‌بینانه‌تر از آنچه در واقعیت مجاز است، از موفقیت درازمدت‌شان در جنگ علیه ترور ارائه کنند. به رغم ادعای رسانه‌های غربی که قتل اسامه بن لادن در ۲۰۱۱ به سازمان‌های تروریستی آسیب جدی زد، کوبرن تأکید می‌کند که بزرگ‌ترین موفقیت‌های گروه‌هایی از جنس القاعده در سه سال اخیر بوده است: تصرف فلوجه، سد موصل و رقعہ در شرق سوریه به دست داعش.

وقتی لازم باشد (مثلاً هنگام مخالفت مسلحانه با اشغال عراق به دست امریکا – انگلستان) همه‌ی حرف‌ها بر سر ارتباطات القاعده است، اما وقتی به درد به‌خورند (مانند شورش‌های ضد قذافی در لیبی که از پشتیبانی ناتو برخوردار بود) از آن‌ها صحبتی به میان نمی‌آید. نکته‌ی کلیدی کتاب این است که القاعده «یک تفکر است نه یک سازمان»، برخلاف تصویر رسانه‌ها هواخواهان‌ش داوطلب هستند، به صورت متمرکز کنترل نمی‌شوند. فقط غرب است که جهادی‌ها را با عناوینی

مثل «فرماندهی عملیات» یا «مرد شماره‌ی دو» می‌نامد. هیچ جهادی‌ای از این عنوان‌ها استفاده نمی‌کند و کاخ سفید و کاخ نخست‌وزیری انگلیس از این واژگان استفاده می‌کنند تا تهدید فرضی آن‌ها را تشدید کنند. کوبرن از چنین ساده‌سازی‌هایی پرهیز می‌کند. یکی از قوت‌های مهم این کتاب در زمانی که بسیاری از مفسران قادر نیستند داعش را از سایر اشکل جهادی‌ها در منطقه تمیز دهند، تمرکز آن بر منازعات درونی جهادی‌ها است که داعش با گروه‌هایی مانند جبهه النصره، احرار الاسلام در سوریه درگیرش بود.

براساس نظر کوبرن، جهادی‌ها از شکست‌های غرب در عراق و لیبی بهره برده‌اند. زیرساخت‌ها و اقتصاد عراق نابوده شده است و کوبرن می‌نویسد در عمل تنها چیزی که بین شیعه‌ها، سنی‌ها و کردها امروز ردوبدل می‌شود «آتش گلوله» است. فروپاشی دولت عراق چنان ویرانگر بود که بغداد اخیراً ناگزیر شده برای دفاع از پایتخت به شبه‌نظامیان فرقه‌گرایی مانند عصیب اهل الحق متکی بشود، گروه کوچکی که به باور بسیاری در کنترل ایران است. کوبرن از عراقی‌هایی نقل قول می‌کند که می‌گویند تحریم‌های سازمان ملل در دهه‌ی ۱۹۹۰ - که «جامعه‌ی عراق» را ویران کرد - علت اصلی سطوح مستمر فساد است که عملاً در تمامی سطوح زندگی عمومی عمل می‌کند.

کوبرن مقطع کلیدی رشد داعش را دهم ژوئن ۲۰۱۴ اعلام می‌کند که موصل، پایتخت شمالی عراق را تسخیر کرد. این واقعیت که ارتش عراق ۳۵۰٫۰۰۰ سرباز و داعش تنها ۱۳۰۰ نفر داشت، کوبرن را به این‌جا رساند که این نبرد را از مهم‌ترین «رسوایی‌های نظامی در طول تاریخ» توصیف کند. داعش همچنین به بسیاری پیروزی‌های نمادین دست یافته که احتمالاً جذابیت‌اش را افزایش داده و اعتبار «ضدامریکایی»‌اش را تثبیت کرده است؛ مثلاً تصرف فلوجه (شهری که به دست نیروهای امریکایی - انگلیسی در طی جنگ عراق به شکل بی‌رحمانه‌ای اشغال شد) و حمله به زندان ابو‌غریب (محل رسوایی شکنجه‌های ننگ‌آور) در ۲۰۱۳. در مورد اخیر، کوبرن می‌نویسد جهادی‌ها «۱۰۰ بمب از طریق خمپاره‌انداز به زندان شلیک کردند و از بمب‌گذاران انتحاری بهره بردند تا هنگام شورش زندانیان راه را آماده کنند و با تیراندازی محافظان را گیج کردند.»

کوبرن با در نظر گرفتن جنگ‌های پس از یازدهم سپتامبر در افغانستان، عراق، لیبی و سوریه اشاره می‌کند که «مداخله‌ی غرب اختلافات موجود را تشدید کرد و گروه‌های متخاصم داخلی را به جنگ داخلی کشاند.» در حالی‌که کمک‌های غرب به مخالفان در سرنگونی اسد نتیجه‌ای نداشت، در

بی‌ثبات کردن آن کشور و عراق موفق بود. خوش‌بینانه‌ترین پیش‌بینی کوبرن برای هر دو کشور سوریه و عراق آن است که با سال‌ها جنگ داخلی مواجه خواهند شد، در حالی که تجزیه‌ی بالقوه‌ی این دو کشور احتمالاً مشابه تجزیه‌ی ۱۹۴۷ هند خواهد بود، با خون‌ریزی‌هایی بیش از هر عامل دیگری مرزهای کشورها را رقم می‌زند.

در این کتاب به‌اختصار تشریح می‌شود که چه‌گونه داعش از آنچه برخی - عمدتاً در جناح راست - دومین جنگ سرد می‌نامند تأثیر پذیرفته است. در پی لیبی ۲۰۱۱ و همین اواخر اوکراین ۲۰۱۴، تنش بین مسکو و غرب بسیار رشد یافته است؛ در عین حال در خاورمیانه تنش بالقوه‌ای بین ایالات متحد، عربستان سعودی و دولت‌های سنی از یک سو و ایران، عراق و شیعیان لبنان از سوی دیگر وجود دارد. مبارزه‌ی سنی‌ها و علوی‌ها در سوریه که در پی شورش مردمی اولیه در ۲۰۱۱ پدیدار شد، به‌نوبه‌ی خود به این تنش استمرار بخشیده است. داعش امروز به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی منازعات گسترده‌تر در منطقه: سنی - علوی که منازعات سنی - شیعه و در ادامه منازعات مسکو - غرب را تغذیه می‌کند. به‌رغم وعده‌ی اوباما برای «ریشه‌کن کردن سرطان» داعش، با نادیده‌گرفتن حضور تهدیدآمیز و کنترل‌کننده‌ی داعش در میان اپوزیسیون سوریه، در ژوئن از کنگره درخواست کمک ۵۰۰ میلیون دلاری برای تجهیز اعضای اپوزیسیون سوریه برای جنگ با جهادی‌ها کرد، که معنایش این است که بسیاری از تسلیحات و تدارکات سرانجام به دست داعش می‌افتد. این یکی از دلایلی است که کوبرن نتیجه می‌گیرد که «بین {داعش} و متحدان متشکل از اپوزیسیون میانه‌رو به زعم امریکا، هیچ سد حایلی وجود ندارد».

در فصل‌های بعدی کتاب تأکید می‌شود که «تا هنگامی که ایالات متحد و هم‌پیمانانش در غرب نپذیرند که {عربستان سعودی و پاکستان} در پیشبرد افراطی‌گری اسلامی نقش کلیدی دارند، پیشرفت واقعی در مبارزه برای به‌انزوا کشاندن جهادی‌ها تحقق نخواهد یافت.» وهابی‌گری، ایدئولوژی رسمی دولت عربستان که در میان جریان اصلی اسلام سنی رسوخ می‌یابد از طریق تأمین مالی مسجدها و خطیبان به دست عربستان سعودی تقویت می‌شود که «پی‌آمدهای تاریکی برای همه دارد». کوبرن می‌گوید «بیست و هشت صفحه از گزارش کمیسیون یازده سپتامبر که درباره‌ی رابطه بین حمله‌کنندگان و عربستان سعودی بود از آن حذف و به‌رغم وعده رییس‌جمهور اوباما در مورد انتشار آن، به دلیل امنیت ملی هیچ‌گاه منتشر نشد. البته امریکا دقیقاً می‌داند که چه‌طور عربستان سعودی و دیگران نقش کلیدی در گسترش جهادی‌گری دارد، اما

مدت‌های مدید است که درآمدهای نفتی و مشارکت‌های استراتژیک بر جان انسان‌ها اولویت دارد.

کوبرن فصل پایانی «بازگشت جهادی‌ها» را صرف این بحث می‌کند که به جای آن که غرب متعهد به وفاداری به ریاض و تأمین مالی افراط‌گرایان به دست آن باشد، باید ناسیونالیسم را به پیش براند، زیرا «مداخله در عراق در ۲۰۰۳ و لیبی در ۲۰۱۱ نشان داد که شباهت زیادی با اشغال‌های امپراتورمآبانه‌ی قرن نوزدهم دارد»، آن هم با «صحبت‌های پوچ در مورد «ملت‌سازی که دست به دست قدرتهای خارجی یا با کمک آنها انجام می‌شود که روشن است منافع خودشان را دنبال می‌کنند.» کوبرن می‌گوید «دولت‌ها فاقد یک ایدئولوژی هستند که آنها را قادر سازد با برخورداری از نشانی از هم‌پیمانی با فرقه‌های دینی و قومی رقابت کنند.» با این‌حال مثلاً از ۲۰۰۳ ناسیونالیسم عراقی مملو از فرقه‌گرایی شد و به نظر می‌رسد حمایت کوبرن از ناسیونالیسم به مثابه نیرویی وحدت‌بخش به اشکال مختلف کوته‌بینانه است؛ شیعیان به شورش‌های بحرینی‌ها در میدان صدق خوش‌آمد گفتند و مخالفان سوری را محکوم کردند، درحالی که اپوزیسیون سنی در قطب مخالف بود. چون ایالات متحد نمی‌خواهد اکثریت شیعه را خشمگین کند ائتلاف العراقیه از سکولارهای برجسته از پشتیبانی ایالات متحد برخوردار نبود.

کوبرن می‌نویسد اصطلاح «گزارشگر جنگی‌انگیز» تأثیر گمراه‌کننده‌ی دارد که می‌تواند جنگ را با تمرکز با نزاع نظامی‌طور کافی توصیف کرد. «جنگ چریکی موضعی» نیازمند تفسیر است» نه صرفاً ضبط و گزارشگری مانند سنت جریان‌ی اصلی در اخبار ساعت ده بی.بی.سی. در حقیقت، حیرت‌آور است که نزد روزنامه‌نگاران، پژوهش در واقعیت‌ها و نمودارها بسیار به ندرت رخ می‌دهد و صرفاً اظهارات دولتی را بازپخش می‌کنند. در ضمن، چپ رادیکال، بیش از حد بر شالوده‌گشایی لفاظی‌های سخنرانی‌های اوباما و کامرون تکیه می‌کند در حالی که کار مهم‌تر مستندسازی پاسخ واقعی آنها را کنار می‌گذارد.

به نظر می‌رسد مفسران بسیار زیادی به جهان همچون نوعی متن می‌پردازند که باید آن را تحلیل کرد، برخی جاهایش را مورد تأکید قرار داد و یادداشت‌هایی در حاشیه‌اش نوشت، نه چیزی که به طور مستقیم بر آن باید تأثیر گذاشت یا در آن مشارکت کرد. «بازگشت جهادی‌ها» مثال قابل تحسینی از نمونه‌ای است که در مباحث پیرامون جهادی‌گری معاصر سخت به آن نیاز داریم، بررسی‌ای که همان‌قدر که به آنچه باید انجام دهیم می‌پردازد که به آنچه باید بگوییم.

مشخصات کتاب پاتریک کوبرن

.The Jihadis Return: Isis and the New Sunni Uprising, Patrick Cockburn. OR Books, ۲۰۱۴

الیوت مورفی دانشجوی عضو زبان‌شناسی در دوره‌ی پس‌ادکتر در دانشکده علوم مغزی یو.سی.ال است. وی دارای درجه ممتاز انگلیسی از دانشگاه ناتینگهام و نویسنده‌ی کتاب *Unmaking Merlin: Anarchist Tendencies in English Literature* است که در ماه جاری توسط Zero Books منتشر شد.

مقاله‌ی بالا ترجمه‌ای است از:

Elliot Murhy, The Return of Jihadis